

آقای مخالف

«بزرگ‌ترین خطر مرتبط با فناوری اطلاعات، که غالب شرکت‌ها امروزه با آن روبه‌رو هستند، بسیار ملموس‌تر و نزدیک‌تر از یک بلای طبیعی است. این ریسک به سادگی، خرج تراشی‌های بیهوده است.» «نیکلاس کار - IIT اهمیت‌ی ندارد»

«احمد شریف پور

در MIT Sloan Management Review منتشر کرد و در آن به توضیح این مطلب پرداخت که در آینده شرکت‌های تجاری، فناوری اطلاعات را به عنوان نوعی از خدمات کمکی از تأمین‌کننده‌ای خارج از شرکت خریداری خواهند کرد. پیش‌بینی مهمی که با شیوع بیش از پیش تب محاسبات ابری، کم‌وبیش رنگ و اقعیت به خود گرفته است. کتاب دوم کار، «جابه‌جایی عظیم: سیم‌کشی دوباره دنیا، از ادیسون تا گوگل» در ژانویه ۲۰۰۸ منتشر شد. در این کتاب او به بررسی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی رشد و همه‌گیر شدن «محاسبات ابری» مبتنی بر اینترنت پرداخته و این تأثیرات را با تأثیرات ناشی از رونق گرفتن استفاده از نیروی الکتریسیته در دهه‌های ابتدای قرن بیستم مقایسه می‌کند. در تابستان سال ۲۰۰۸ نشریه آتلانتیک در شماره سالانه‌ای که ویژه ایده‌ها منتشر می‌کند، مقاله دیگری از کار را با نام «آیا گوگل ما را احق می‌کند؟» به چاپ رساند. این مقاله دید انتقادی بسیار تندی به تأثیر اینترنت روی هوشیاری انسان داشت و در فضای رسانه‌های سنتی و وبلاگ‌ها انعکاس فراوانی یافت. (می‌توانید این مقاله را در شماره ۹۲ ماهنامه مطالعه کنید) بحث اصلی کار در این مقاله این است که اینترنت ممکن است تأثیرات تخریب‌کننده‌ای روی هوشیاری فرد بگذارد که به نوبه خود باعث کاهش توانایی تمرکز و تفکر وی خواهد شد. آخرین کتاب کار که با نام «ژرفای اندک» در ژوئن ۲۰۱۰ منتشر شده است نیز همین دیدگاه را دنبال کرده و شرح و بسط می‌دهد (صفحه روبه‌رو را ببینید). وی در وبلاگش با نام Rough Type به نقد فناوری و آنچه از دید او «خیال‌بافی‌هایی» در زمینه محصولات اجتماعی هستند، می‌پردازد. او معتقد است، تأثیر نهایی پروژه‌های وب ۲ نظیر ویکی‌پدیا و وبلاگستان بر جامعه می‌تواند منفی باشد، زیرا این پدیده‌ها به تدریج جانشین منابع حرفه‌ای (اما گران قیمت‌تر) شده و به این ترتیب سطح کلی دانش را کاهش می‌دهند. کار اصطلاح جدیدی به نام wikicrats را نیز برای نخستین بار به کار برده است که برای نامیدن مدیران سیستم ویکی‌پدیا به کار می‌رود. این اصطلاح که عمداً شبیه Aristocrats (اشرف‌زادگان) انتخاب شده است، در واقع به سیستم بوروکراتیک و پیچیده ویکی‌پدیا برای ارزیابی و سنجش صحت مقاله‌ها اشاره دارد. نکته جالب‌تر این‌که جیمی ویلز در پاسخ به این انتقادات، مدخل‌هایی را که کار به آن‌ها اشاره کرده و افعلاً ابلهانه و نامناسب خوانده و همه متخصصان را به مشارکت برای افزایش کیفیت مدخل‌های ویکی‌پدیا دعوت کرده است. آنچه مشخص است این‌که همواره نظریه‌های منتقدان، در عین برانگیختن بحث و جدل‌های فراوان، می‌تواند به افزایش کیفیت محصولات هر عرصه‌ای کمک کرده و از این دید شاید تأثیر کسانی مانند نیکلاس کار بر دنیای IT فردا، کمتر از مدیران شرکت‌ها و راهبران شرکت‌های پیشرو و استراتژیک نباشد.

نیکلاس جورج کار (Nicholas George Carr) متولد سال ۱۹۵۹ است. این نویسنده آمریکایی کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی در زمینه فناوری، تجارت و فرهنگ نوشته و کتاب جنجالی او «ژرفای اندک: آنچه اینترنت بر سر مغزهای ما می‌آورد» نامزد جایزه پولیتزر سال ۲۰۱۱ در بخش غیرداستانی شده و از سوی مجله نیویورک تایمز نیز به عنوان یکی از عناوین بسیار پرطرفدار معرفی شده است. کار که مدرک کارشناسی خود را از کالج دارتموث و مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه هاروارد در رشته زبان و ادبیات آمریکایی و انگلیسی دریافت کرده است، با گاردین، آتلانتیک، نیویورک تایمز، وایرد، وال استریت ژورنال و بسیاری از نشریه‌های دیگر همکاری داشته و دارد. او همچنین از اعضای هیئت مشاوره نویسندگان دانش‌نامه بریتانیکا است. به رغم این سابقه طولانی در عرصه مطبوعات، نام کار، نخستین بار در سال ۲۰۰۳ و پس از انتشار

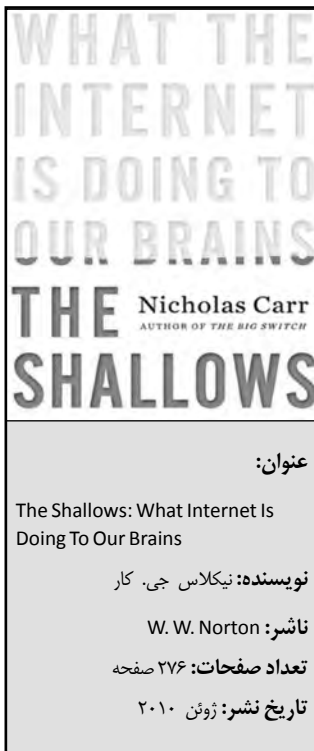
مقاله‌ای با نام «IIT اهمیت‌ی ندارد» در مجله هاروارد بیزنس ریویو و کتابی با نام «آیا IIT مهم است؟ فناوری اطلاعات و تحلیل تدریجی مزیت رقابتی» بر سر زبان‌ها افتاد. در این دو نوشتار جنجالی که بحث‌های فراوانی نیز به دنبال داشته‌اند، او عنوان می‌دارد که اهمیت راهبردی IIT در کسب‌وکارها به واسطه همه‌گیر شدن، کاهش قیمت و استاندارد شدن آن رو به کاهش است. اگرچه این سخنان او با واکنش شدید رهبران IIT دنیا از شرکت‌هایی نظیر مایکروسافت، اینتل و اچ‌پی روبه‌رو شده است، اما منتقدان بسیاری به پشتیبانی از این دیدگاه وی پرداخته‌اند. در سال ۲۰۰۵ کار، مقاله بحث برانگیز «پایان محاسبات شرکتی» را



ژرف اندیشی؛ عادت گم شده

«آیا به تازگی تمرکز کردن برایتان دشوار شده است؟ آیا بعد از مطالعه دو صفحه از یک کتاب دچار بیقراری می شوید و به دنبال سرگرمی دیگر می روید؟ آیا به سندروم «طولانی بود، نخواندم.» دچار شده اید؟ اگر چنین است، نیکلاس کار ناراحتی شما را احساس کرده و دلیل آن را مورد بررسی قرار داده است. استفاده از اینترنت مغز شما را دچار تغییر کرده و شما را به یک «خاله زنک» تبدیل کرده است.»

استیون پول - گاردین



عنوان:

The Shallows: What Internet Is Doing To Our Brains

نویسنده: نیکلاس جی. کار

ناشر: W. W. Norton

تعداد صفحات: ۲۷۶ صفحه

تاریخ نشر: ژوئن ۲۰۱۰

حقایق به معنای خرد نیست.

● گسترش دانش به معنای عمیق تر شدن آن نخواهد بود.

● چند وظیفگی (Multi Tasking) به معنای پیچیدگی نیست.

بخش نخست تمام این گزاره‌ها به چیزی جز اینترنت اشاره نمی‌کنند. ابزاری که با گسترش و همه‌گیر شدنش،

امکان دسترسی به دانش را برای بیشتر ساکنان زمین فراهم آورده است. مجموعه‌ای عظیم از داده‌ها و حقایقی که لحظه به لحظه بر حجم آن افزوده می‌شود.

این مجموعه باعث گسترش دانش در میان مردم عادی شده و تعداد

کاربردهایی که برای آن قابل تصور است، بسیار فراتر از تصورات اولیه پدیدآورندگان آن است.

به رغم همه این‌ها کار معتقد است که این پدیده عظیم، در یک جمع‌بندی کلی ما انسان‌ها را کم‌حافظه‌تر و تنبل‌تر کرده، قدرت تفکر و تعمق ما را کاهش داده و بیشتر به سمت «مصرف‌کننده دانش بودن» سوق داده است.

هرچند که ممکن است نگرانی‌ها و هشدارهای کار، با کمی هیاهو همراه باشند یا به صورت کلی اغراق آمیز به نظر برسند، اما باید توجه داشت که در پس این هیاهو و جنجال حقیقتی (حتی کوچک) نهفته است. همچنین به یاد داشته باشید، همیشه حضور مخالفان و منتقدان برای گوشزدکردن کاستی‌ها و برانگیختن حساسیت‌ها برای برطرف کردن نقص‌ها و اندیشیدن چاره‌ها پدیده‌ای مفید و ارزنده است. به هر حال، اگر احساس می‌کنید که قدرت تمرکز خود را از دست داده‌اید یا توانایی مطالعه شما کاهش یافته است، شاید پیشنهادها و راه‌حل‌های این کتاب برای شما مفید باشد: خداحافظی با اینترنت و دنیای داده‌های مرتبط به هم.

آنچه ما به عنوان ترس از فناوری می‌شناسیم، شاید نخستین بار در ابتدایی‌ترین مراحل تاریخ و توسط سقراط مطرح شده باشد. در فادروس (Phaedrus) او از پدیده‌ای به نام «کتاب» نالیده و معتقد است، کتاب باعث تثبیت فراموش‌کاری در روح انسان خواهد شد. او می‌گوید: «خوانندگان جدید، بی آن‌که خود تجربه کرده و یاد بگیرند، کورکورانه به «نوشته‌های دیگران» اعتماد می‌کنند.» لازم به توضیح نیست که رواج چاپ نیز تنها به وخیم‌تر شدن اوضاع منجر شد. رابرت بورتون (Robert Burton) در قرن هفدهم از «آشوب گسترده و سردرگمی ناشی از کتاب‌ها» سخن می‌گفت. کتاب‌هایی که باعث آسیب دیدن دست و چشم می‌شوند.

در اواخر قرن نوزدهم مشکل اساسی، سرعت ارتباطات و «سطحی شدن» تلگراف‌ها بود و پس از آن رادیو و تلویزیون که مغز ما را با لذت‌های انفعالی پر می‌کردند. مشکل این بود که بچه‌ها دیگر به مطالعه کتاب نمی‌پرداختند؛ امری که سقراط را بسیار خوشنود می‌کرد. در کتاب «ژرفای اندک: آنچه اینترنت بر سر مغز ما می‌آورد» (The Shallows: What Internet Is Doing To Our Brains) نیکلاس کار این ترس را تا دوران پسا مدرن قرن بیست و یکم تعمیم می‌دهد.

در این کتاب، کار با ترکیب روان‌شناسی و علوم اعصاب و با استناد به تجربه‌های شخصی و برخی مطالعات آکادمیک، به بررسی تأثیر اینترنت بر مغز بشر می‌پردازد. از دید او مغز انسان حالتی پلاستیکی و شکل‌پذیر دارد و هر فعالیت مستمر و مداومی می‌تواند روی آن اثر گذاشته و آن را تغییر دهد. به همین دلیل، استفاده از اینترنت نیز مغزهای ما را تغییر می‌دهد، به گونه‌ای که اکنون «مغز خطی و ادیبانه» ما مورد هجوم قرار گرفته است. زیرا تندخوانی، سطحی‌خوانی و توجه اندک به محتوا به عادت روزمره ما در مطالعه تبدیل شده است.

هدف غایی سخنان کار این است که استفاده مداوم از اینترنت می‌تواند به نوعی «سیم‌کشی»های مغز ما را تغییر دهد و به این ترتیب، نوع خاصی از فعالیت‌ها را برای ما جالب‌تر و برخی دیگر را دشوارتر کند. در این کتاب کار، چهار اصل بنیادین را درباره نحوه استفاده ما از اینترنت و برداشت نادرستی که از آن داریم، بیان می‌کند:

- دسترسی بیشتر به دانش به معنای دانش بیشتر نیست.
- در اختیار داشتن اندوخته‌ای در حال افزایش از داده‌ها و